



اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران!

هفتاد سال پیکار خستگی ناپذیر در راه بهروزی توده های کار و زحمت، و برای تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!



خجسته باد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

هم میهنان گرامی!

با فرا رسیدن دهم مهرماه ۱۳۹۰، هفتاد سال از تأسیس حزب توده ایران، حزب رزمندگان رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان، حزب پیشگامان رهایی زنان از بند های ستم جنسی و طبقاتی، حزب نویسندگان، شاعران، و هنرمندان مردمی و پیشرو، حزب جوانان و دانشجویان رزمجو، و حزب همه مبارزان راه آزادی، استقلال، و عدالت میهن ما، می گذرد.

تاریخ حزب توده ایران، بخش جدایی ناپذیری از تاریخ مبارزات قهرمانانه مردم میهن ما بر ضد استعمار، استبداد و امپریالیسم است، و در کند و کاو همین تاریخ است که، به گواهی دوست و دشمن، می توان نقش برجسته مبارزان توده ای را در پیشبرد اندیشه های مترقی، نبرد بی امان برای دگرگون کردن جامعه واپس مانده و روابط اجتماعی-اقتصادی حاکم بر آن، و سازمان دهی مبارزه توده ها، دید.

درباره تاریخ حزب توده ایران، در هفت دهه گذشته هزاران جزوه، مقاله و کتاب منتشر شده است، که بخشی از این انبوهه به کارزار تبلیغاتی ساواک رژیم استبدادی شاه، و در پی آن، ساوامای رژیم ولایت فقیه، و یا غرض ورزی های دشمنانه اوده است. هدف از این کارزار گسترده تبلیغاتی، جا انداختن این نظر بوده است که، حزب توده ایران یک حزب "وابسته به خارجی" و "خائن به منافع" ملی میهن ما بوده است. چنین نظرانی که از سوی کسانی که با کودتای نظامی دستگاه های جاسوسی دولت های امپریالیستی آمریکا و انگلیس و با سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق روی کار آمده بودند ترویج شده است، ابعاد بی پایگی و رسوایی چنین ادعاهایی را اثبات می کند.

هفتاد سال پیش، پس از سقوط حکومت رضا شاه، در پی رهایی یاران دکتر تقی ارانی از زندان ستم شاهی، در پی باز شدن فضای سیاسی، حزب توده ایران به همت شماری از برجسته ترین مبارزان راه آزادی و منادیان رهایی میهن از بندهای بهره کشی، استبداد، و واپس ماندگی، به ریاست سلیمان محسن اسکندری، یکی از رجال بنام آزادی خواه صدر مشروطیت، بنیاد گذارده شد.

حزب توده ایران در حالی پا به عرصه مبارزه گذاشت که کشور ما تغییرات و تحولات اساسی بی را تجربه می کرد، و با استقرار تدریجی سرمایه داری وابسته و رشد همزمان طبقه کارگر، جامعه ما نیازمند حزبی رزمنده و پیشرو بود که پشتیبان و سازمان ده طبقه کارگر و زحمتکشان و پاسخ گوی نیاز مبرم تحولات متناسب با وضعیت اجتماعی و سیاسی میهن باشد. بر این اساس، حزب توده ایران، در ادامه سنت های انقلابی مبارزات حزب کمونیست ایران، و رهبران برجسته نهضت رهایی بخش ملی و شخصیت هایی همچون حیدر خان عمواوغلی و دکتر تقی ارانی، گام در راه دگرگون ساختن بنیادین جامعه ما گذاشت. تحزب در شکل نوین آن، پیدایش سازمان های صنفی، از جمله سندیکاهای کارگری، اتحادیه های مستقل جوانان، دانشجویان، و سازمان های پیشروی زنان، پراکندن بذر آگاهی اجتماعی-سیاسی و فرهنگی و طرح نظرات انقلابی و پیشرویی همچون ضرورت تصویب قانون کار، اصلاحات ارضی، و خواست لغای قرار دادهای استعماری بی که کشورهای امپریالیستی بر میهن ما تحمیل کرده بودند، و فرا گیر شدن چنین خواست هایی در جامعه مان، از جمله تأثیرات مستقیم حزب توده ایران در همان سال های نخست بنیادگذاری اش است.

امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی کشور در سیمای حزب ما خطری بزرگ برای منافع خود دیده و می بینند، و در طول هفتاد سال گذشته از هیچ تلاش و توطئه بی برای نابودی حزب توده ها فرو گذار نکرده اند. راز ریشه های عمیق و سترگ اجتماعی حزب توده ایران، در دقت کم نظیر تحلیل ها و برنامه هایش و انطباق بی خدشه آن بر خواست های زحمتکشان و منافع و مصالح میهن بوده است. از تشکیل "شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران"، در اسفندماه ۱۳۲۰، و بنیاد گذاری نخستین اتحادیه های دهقانی در اطراف تهران و برخی استان های کشور، در خرداد ماه ۱۳۲۲، حزب توده ایران نیروی رهبری کننده

بی بدیل مبارزات کارگری - دهقانی کشور شناخته شد و مورد قبول توده های کار و زحمت قرار گرفت. برگزاری روز جهانی کارگر در ایران، در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵، که با شرکت ۷۰۰/۰۰۰ کارگر در سراسر ایران برگزار شد، و همچنین ده ها اعتصاب و راه پیمایی کارگری در آن سال ها، نقش برجسته بی به مبارزات طبقه کارگر در میهن ما داد و فضای سیاسی ایران را به کلی دگرگون کرد.

تلاش حزب در سازمان دهی مبارزه بر ضد فاشیسم، و همچنین تلاش در راه دست یافتن به صلح، از عرصه های تاریخی مبارزات توده ای ها و سازمان های گونه گون شان در میهن بوده است. آوای نشریه "مردم ضد فاشیسم"، ارگان تبلیغاتی حزب بر ضد فاشیسم، در نخستین سال های پس از تأسیس حزب، در سراسر ایران پیچید و تأثیرات مهمی را در راه مقابله با اندیشه های فاشیستی در جامعه بر جای گذاشت.

نخستین برنامه حزب توده ایران که در مرداد ماه ۱۳۲۳، به تصویب نخستین کنگره حزب رسید، سند درخشانی از ماهیت انقلابی حزب و آرمان های والای آن در راه رهایی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان، و دانشجویان کشور است. این نخستین سند مبارزاتی یک حزب سیاسی در آن دوره از تاریخ میهن ما بود که پیام آور رهایی میهن از بندهای وابستگی به بیگانه، استعمار، استبداد، و بنا کردن ایرانی آزاد و آباد بود. در نخستین «برنامه حزب» ما مسائل عمده بی از جمله:

"مبارزه در راه استقرار رژیم دموکراسی و تأمین کلیه حقوق فردی، و اجتماعی از قبیل: آزادی زبان، قلم، عقیده و اجتماعات... مبارزه بر علیه رژیم دیکتاتوری و استبداد..."

سعی در گذراندن قانون کار از مجلس شورای اسلامی بر اصول زیر: تقلیل مدت کار روزانه در تمام کشور به هشت ساعت و پرداخت دستمزد متناسب برای کارهای اضافی ... ایجاد بیمه اجتماعی کارگران و کارمندان و مستخدمین ... واگذاری بلاعوض خالصجات و املاک قابل کشت دولتی به دهقانان بی ملک ... اصلاحات اساسی در مورد تقسیم غیر عادلانه محصول بین ارباب و رعیت ... تجدید نظر در قانون استخدامی کشور به نحوی که مخصوصاً شرایط معاش و زندگی کارمندان جز تأمین گردد...

کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) در مجلس مقننه و انجمن های ایالتی و بلدی. بهبودی اوضاع مادی و تأمین استقلال اقتصادی زنان ...

تساوی کامل حقوق اجتماعی بین کلیه افراد ملت قطع نظر از مذهب و

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

نژاد ... مطرح شده بود، و در راه آن ها مبارزه می شد و تا کنون نیز شده است.

طرح چنین خواست های انقلابی و پیشرویی نه تنها فضای سیاسی- اجتماعی آن روز ایران را دگرگون کرد، بلکه اثرات این اندیشه های مترقی و آزادی خواهانه تا به امروز در جامعه ما پابرجاست. هیچ نیروی آزادی خواهی را در میهن ما نمی توان یافت که برنامه سیاسی اش تحت تأثیر از این اندیشه های مترقی و انساندوستانه، از این آغاز حماسه گون حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما، حزب توده ایران، تأثیر نپذیرفته باشد.

با تأسیس حزب توده ایران و انتشار انبوهی از روزنامه ها، مجله ها، کتاب ها، و نشریه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی، نسل جوان کشور با اندیشه های پیشرو، انقلابی، و تاریخ ساز مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد، و در نتیجه آن توانست نقش مهم و سازنده ای در تغییر جامعه ما بازی کند. شماری از برجسته ترین متفکران، ادیب ها، شاعران، نویسندگان، و مترجمان کشور در دامان حزب توده ایران پرورش یافتند و زمینه ساز رشد ادبیات، هنر، و فرهنگ پیشرو در جامعه ما شدند.

یکی دیگر از عرصه های درخشان فعالیت حزب ما، تلاش های پیگیر آن در عرصه به وجود آوردن همکاری بین نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور بوده و هست. از همان فردای تأسیس حزب، توده ای ها همواره در راه برقراری اتحاد عمل بین همه آزادی خواهان و میهن دوستان کشور به منظور رهایی ایران از چنگال استبداد، وابستگی به بیگانه، و استثمار تلاش کرده اند و نمونه های درخشانی از این فعالیت ها در تاریخ معاصر میهن ما ثبت شده است. ایجاد "جبهه آزادی"، دربردارنده نیروهای مترقی و همچنین روزنامه ها و مدیران نشریه های کشور، در تابستان سال ۱۳۲۳، برپایی جبهه "مطبوعات ضد دیکتاتوری"، در اردیبهشت ماه ۱۳۲۷، ایجاد "جمعیت ملی مبارزه با استعمار"، در دی ماه ۱۳۲۹، و ده ها تلاش دیگر از این دست در طول هفتاد سال گذشته، از جمله این نمونه هاست. واقعیت این است که، جا افتادن این اندیشه مهم که رهایی ایران از بندهای ارتجاع و استبداد نیازمند تلاش متحد و همکاری همه آزادی خواهان کشور است، نتیجه تلاش های مستقیم حزب توده ایران در جامعه ما بوده است.

مبارزه در راه دست یافتن به حقوق پایمال شده خلق های مورد ستم ایران، از جمله دیگر عرصه های فعالیت حزب ما در طول هفتاد سال گذشته بوده است. بنیادگذاری و تأسیس حزب توده ایران با آغاز پیکار در راه رهایی خلق های ایران از بند ستم ملی و طبقاتی ارتباطی گسست ناپذیر دارد. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که خواست واگذاری خودمختاری در چارچوب ایرانی واحد و دموکراتیک را در دستور کار مبارزات سیاسی کشور قرار داد، و توده ای ها در صحنه های پیکار خونین خلق های آذربایجان، کردستان، و همچنین دیگر خلق های محروم کشور، از جمله خلق عرب، بلوچ، و ترکمن، در راه دستیابی به حقوق شان، از هیچ گونه فداکاری کوتاهی نکرده اند.

از آغاز بنیادگذاری حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰ تا کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که از سوی دولت های امپریالیستی آمریکا و بریتانیا و به منظور سرکوب جنبش مردمی ایران و نهضت ملی شدن نفت ایران سازمان دهی شده بود، تنها در طی ۱۲ سال فعالیت سیاسی، توده ای ها سرچشمه آن چنان تحولات انقلابی بی در ایران بودند که سرتاسر منطقه خاور نزدیک و میانه نیز از بازتاب های شگرف آن تأثیر پذیرفتند. امپریالیسم آمریکا و بریتانیا، حزب توده ایران را بزرگ ترین خطر در مقابل منافع برتری طلبانه خود در منطقه می دیدند. امروز پس از گذشت نزدیک به شش دهه، و در پی گشوده شدن آرشو ها و انتشار اسناد محرمانه سازمان گران این کودتا، روشن شده است که یکی از هدف های عمده کودتای ۲۸ مرداد، سرکوب خونین حزب توده ایران بود. دستگیری هزاران توده ای، شکنجه و سپس اعدام بسیاری از آنان از جمله رفقای قهرمان سازمان نظامی حزب، به دستور رژیم شاه، نه تنها نتوانست "ریشه حزب" را آن طور که دستگاه های امنیتی حکومت سلطنتی تصور و تبلیغ می کرد در ایران بخشکاند، بلکه الهام بخش نسل های نوینی از رزمندگان توده ای و دیگر نیروهای مترقی و چپ میهن گردیدند.

با وجود سرکوب ۲۵ ساله دستگاه های امنیتی رژیم سلطنتی، توده ای ها نقش حیاتی بی را در سازمان دهی مبارزه ضد استبدادی میهن ما ایفا

کردند. روزنامه زیر زمینی "نوید" که به سردبیری رفیق قهرمان رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) منتشر می شد، توانست با بردن نظرات حزب توده ایران به میان توده ها، و از جمله برای طرح نخستین بار نظریه ضرورت سازمان دهی اعتصاب عمومی، تأثیر مهمی در سمت گیری مبارزات ضد استبدادی میهن ما بر جای گذارد، و سرانجام، این نقش برجسته کارگران توده ای در سازمان دهی اعتصاب کارگران نفت بود که کمر رژیم سلطنتی را در هم شکست.

پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، نظام سیاسی پوسیده و ضد مردمی سلطنتی را واژگون کرد و با استقرار آزادی، این امکان را پدید آورد که میهن ما بدون دخالت خارجی و حضور ده ها هزار مستشار آمریکایی، به سمت انتخاب نظام سیاسی - اقتصادی خود حرکت کند. حزب توده ایران پس از ۲۵ سال سرکوب خشن و خونین، فعالیت علنی خود را از سر گرفت و در مدتی بسیار کوتاه توانست به نیروی بزرگ اجتماعی بی با نفوذ چشمگیر معنوی تبدیل گردد. تأثیر اندیشه های حزب ما بر اصول مترقی بی از قانون اساسی - که دفاع از منافع قشرهای گوناگون اجتماعی و پاسداری از آزادی را در دستور کار خود قرار می دهد - در کنار تلاش حزب در سازمان دهی کارگران، کشاورزان، زنان، جوانان، و دانشجویان کشور، خیلی زود هراس ارتجاع داخلی و کشورهای امپریالیستی را که نگران سمت گیری انقلاب بهمن ۵۷ بودند، برانگیخت.

تنها کافی است اشاره کنیم که در دوران طوفانی سال های نخست پس از انقلاب، به همت مبارزه توده ای ها و دیگر نیروهای مترقی کشور، مسأله «اصلاحات ارضی» و «تصویب قانون کار» که تا حدودی از حقوق کارگران حمایت کند، با وجود همه مخالفت های نیروهای ارتجاعی و واپس گرا در جامعه به پیش برده شد و تا به امروز هنوز ارتجاع نتوانسته است این دست آورد های هرچند محدود را باز پس گیرد.

رویارویی هوشیارانه حزب توده ایران با توطئه های پی در پی امپریالیسم برای شکست انقلاب ایران و ازجمله هشدارهای حزب ما پیرامون امکان حمله نظامی به ایران، و سپس مبارزه برای صلح و بر ضد ادامه جنگ ایران و عراق، از دیگر عرصه های مهم و درخشان مبارزه حزب ما است. در سال های نخست دهه ۱۳۶۰، در پی پیروزی خرمشهر و بیرون راندن ارتش متجاوز رژیم صدام حسین، که به دست پر توان فرماندهان توده ای ارتش سازمان دهی و بداند دست یافته شد، حزب ما با وجود جو شدید تبلیغاتی رسانه های حاکم و طرح شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" از سوی خمینی و دیگر سران رژیم، این شعار را شعاری نادرست اعلام کرد و نظریه ضرورت پایان جنگ از طریق مذاکره را در جامعه مطرح ساخت. پاسخ مرتجعان حاکم به این دید درست و راه گشا، یورش وحشیانه به حزب توده ایران و کشتار گروهی از برجسته ترین فرماندهان انقلابی ارتش ایران بود.

سرکوب خشن و خونین حقوق و آزادی های دموکراتیک، به بند کشیدن هزاران مبارز آزادی و یورش همه جانبه به حزب توده ایران، در بهمن ماه ۱۳۶۱، که به گفته ری شهری جنایتکار، با دستگیری بیش از ده هزار تن از کادرها، فعالان، اعضا، و هواداران حزب توده ایران همراه بود، باردیگر امکان فعالیت آزاد و علنی را، بر خلاف قوانین داخلی و بین المللی، از حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما از بین برد و حاکمیت فاجعه بار رژیم ضد مردمی و استبدادی "ولایت فقیه" را بر ایران مستقر و مستحکم کرد.

هم میهنان گرامی

حزب ما در حالی به استقبال هفتادمین سالگرد تأسیس اش می رود که میهن ما با اوضاعی بیش از پیش بحرانی و نگران کننده روبه روست. بیش از دو سال از کودتای انتخاباتی ولی فقیه و روی کار آمدن مجدد محمود احمدی نژاد در مقام رئیس جمهوری برگمارده نظامیان، نیروهای سرکوب گر و تاریک اندیشان "دوب شده در ولایت مطلقه فقیه" می گذرد. بیش از دو سال است که نیروهای امنیتی و سرکوب گر و سپاهیان جهل، به جنبش مردمی جان به لب رسیده از بی عدالتی و ظلم و محرومیت های شدید اقتصادی و ناهنجاری های فزاینده اجتماعی می تازند تا صدای حق طلبانه اکثریت جامعه را برای استقرار حکومتی بر پایه آرای مردم و پایبند به حقوق آنان خاموش سازند. با وجود یورش های مسلحانه و خونین به تظاهرات پرشکوه مردمی در اعتراض به کودتای انتخاباتی ولی فقیه، با وجود دستگیری هزاران مبارز و فعال اجتماعی و با وجود دستگیری شماری از رهبران سابق جمهوری اسلامی که همگی از "یاران نزدیک امام" بودند، رژیم ولایت فقیه نتوانسته است جنبش مردمی و اصلاح طلبانه میهن ما را سرکوب کند.

ادامه مبارزه برای اصلاحات، و طرد رژیم ولایت فقیه در حکم سد اساسی هرگونه تحول اساسی، بنیادین و دموکراتیک - شعاری که برای نخستین بار از سوی حزب ما، در نوروز ۱۳۶۹ در جامعه مطرح شد - به خواست وسیع جامعه ما و نیروهای سیاسی آزادی خواه تبدیل شده است و سرنوشت و حیات رژیم استبدادی حاکم را به چالش کشیده است.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

تفر و انزجار عمیق اکثریت مردم ما از رژیم ولایت فقیه و رهبر آن، علی خامنه‌ای، ادامه حیات حکومت کنونی را تنها با تکیه به زور و دخالت روز افزون فرماندهان نیروی ضد مردمی سپاه پاسداران که همه شریان‌های اساسی اقتصادی کشور را در دست خود قبضه کرده است، ممکن می‌سازد. مخالفت بخش‌های مهم و وسیعی از روحانیون و "مراجع تقلید" در "حوزه‌های علمیه" و اکثریت کسانی که در گذشته نزدیکی رهبران سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می‌شدند با حاکمیت انحصاری خامنه‌ای، خانواده و نزدیکان او، و رهبران سپاه و نیروهای انتظامی، نشان‌گر حرکت سریع و خطرناک ایران به سمت یک دیکتاتوری نظامی با سیمای مذهبی است.

رژیم، برنامه سازمان یافته و وسیعی را برای سرکوب کامل جنبش مردمی و دست آوردن هشت سال تلاش برای اصلاح حکومت مداری در ایران به مرحله اجرا گذاشته شده است. تهاجم پیگیر و در عین حال فزاینده به جنبش مستقل کارگری کشور، در کنار تهاجم وسیع به تشکل‌های دانشجویی، و سرکوب خشن فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی زنان کشور و همچنین بستن روزنامه‌های منتقد و زیر فشار قرار دادن نویسندگان و روزنامه‌نگاران دگراندیش، به بند و حصر کشیدن شماری از شخصیت‌های اجتماعی-سیاسی کشور، از جمله موسوی و کروبی، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم و از رهبران جنبش اعتراضی برضد کودتای انتخاباتی ولی فقیه، همه بخشی از برنامه‌ی واحد برای تثبیت موقعیت ارتجاع و بازگرداندن حرکت چرخ تحولات کشور به سال‌های دهه ۱۳۶۰ است.

حزب ما در جریان برگزاری انتخابات سال ۱۳۸۴، با برشمردن خطراتی که جنبش را تهدید می‌کرد، همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور را به اتحاد عمل و تلاش واحد برای شکست برنامه‌های ارتجاع فراخواند. این تلاش‌ها متأسفانه در فضای ناسالم سیاسی و شعارهای تند و غیر واقع‌بینانه شماری از نیروهای سیاسی-اجتماعی کشور و عدم حمایت از نامزدی «معین» در انتخابات، و همچنین ممانعت و بی‌عملی نیروهای اصلاح طلب که سکان اداره دولت وقت را در دست داشتند، عملی نشد، و نیروهای ارتجاع توانستند گامی بلند در راه تحمیل برنامه‌های خود بر جامعه بردارند و شرایط دشواری را برای ادامه روند اصلاحات ایجاد کنند، روندی که با سازمان دهی کودتای انتخاباتی خرداد ماه ۱۳۸۸، و پایمال کردن رای میلیون‌ها شهروند میهن‌ما، مفهوم تازه‌ای به واژه "انتخابات" در رژیم ولایت فقیه داد. آنچه در دوران دولت احمدی‌نژاد و حاکمیت انحصاری ارتجاع بر سه قوه کشور رخ داده است، فاجعه‌ی عظیمی است که آینده کشور و نسل‌های بعدی را با خطرات جدی رو به رو کرده است. اعمال مجموعه سیاست‌های مخرب و ضد ملی اقتصادی-اجتماعی در راستای تأمین منافع کلان سرمایه داری (بوروکراتیک) و تجاری، شدت یافتن دهشت بار فقر و محرومیت که باید گفت در تاریخ معاصر میهن ما کم سابقه بوده است، ادامه سیاست‌ها در راستای هرچه بیشتر خصوصی کردن صنایع و مراکز تولیدی کشور و "تعدیل انسانی" نیروی کار، بورش برای تغییر قانون کار و پایمال کردن بیش از پیش حقوق کارگران و زحمتکشان، بر خلاف همه ادعاها و قول‌های انتخاباتی در زمینه تقسیم پول نفت میان زحمتکشان، و همچنین زرمه‌های احیای سیاست‌های گزینشی مطرود دهه ۶۰ در دانشگاه‌ها و ادارات کشور، سیمای واقعی دولتی ضد مردمی و آزادی‌ستیز است که هدفش سرکوب خشن و خاموش ساختن هرگونه صدای مخالفی در کشور است.

هم میهنان گرامی!

بی‌عدالتی بی‌سابقه، فقر و محرومیت در کنار فشارهای کمر شکن اقتصادی و حفقان شدید، در مجموع، اوضاع غیر قابل تحملی را برای بخش‌های وسیعی از جامعه و حتی بخش‌هایی از نیروهای درون و پیرامون حاکمیت فراهم آورده است. اوج گیری اختلاف‌ها و درگیری‌ها با دولت احمدی‌نژاد، مانور برای "انتخابات" مجلس و سپس "انتخابات" ریاست جمهوری که پایان کار دولت منفور احمدی‌نژاد است، امکان‌های نوبی را برای سازمان دهی مجدد و تشدید مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه فراهم آورده است که باید با هوشیاری از آن‌ها بهره‌گرفت. در چنین شرایطی، میهن ما بیش از پیش نیازمند حرکتی متحد، وسیع، و سازمان یافته بر ضد رژیم دیکتاتوری حاکم است. جنبش‌های آزادی‌خواهانه‌ی که کشور‌های خاورمیانه را در ماه‌های اخیر فرا گرفته‌اند و

به سقوط شماری از حکومت‌های استبدادی و ضد ملی منطقه از جمله حکومت حسنی مبارک در مصر و در تونس منجر شده‌اند، نشان داد که با حرکت سازمان یافته همه نیروهای اجتماعی، و خصوصاً حضور نیرومند طبقه کارگر و زحمتکشان در این روند، می‌توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی و تن دادن به خواست‌های جنبش مردمی وادار کرد. این نیازی است که جنبش مردمی ما از نبود آن رنج برده است و به پاسخ‌گویی به این نیاز باید با تمام توان برخاست.

رفقا، اعضا، هواداران، و دوستان حزب!

پیکار هفتاد ساله حزب توده ایران با همه فراز و نشیب‌های آن با تکیه به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر شما امکان پذیر بوده و هست. در طول هفتاد سال گذشته و از جمله در سال‌های اخیر، اعضا و هواداران حزب ما با توطئه‌های گوناگون ارتجاع برای نابودی حزب شان روبه‌رو بوده‌اند، و در این مصاف دشوار پرچم پر افتخار حزب کارگران و زحمتکشان کشور را همچنان در اهتزاز نگاه داشته‌اند. شکست ارتجاع در نابودی حزب توده ایران به مفهوم پایان توطئه‌ها و ترفند‌های رژیم نیست. رژیم استبدادی حاکم همچنان حزب توده ایران را دشمن اصلی برنامه‌های ضد ملی و ضد مردمی خود می‌داند و همچنان همه تلاش‌ها و امکانات خود را به منظور ضربه زدن به صفوف حزب ما به کار می‌برد. کشتار صدها تن از کادرهای برجسته، رهبران، شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی حزب ما در جریان فاجعه ملی، که در جریان آن هزاران زندانی سیاسی جان باختند، در کنار توطئه حزب سازی و تلاش به قصد پراکنده کردن اعضا و هواداران و شکافته شدن صفوف حزب، بخشی از تلاش حاکمیت به منظور "کندن ریشه‌های" حزب از جامعه بوده است که تا به امروز نیز ادامه دارد. از سازمان دهی "شوهای تلویزیونی" قربانیان شکنجه برای بی اعتبار کردن تاریخ و مبارزات حزب توده ایران، تا خاطره نویسی‌های با نظارت شکنجه‌گران، برپایی دستگاه‌های عریض و طویل تبلیغاتی برای حمله به برنامه سیاسی-مبارزاتی حزب ما، و "رهبر" سازی دستگاه‌های امنیتی، هیچ کدام از این توطئه‌ها، با وجود همه دشواری‌هایی که بر سر راه فعالیت حزب ما پدید آورده است، اما نتوانسته‌اند پیکار حزب توده ایران در راه دست یافتن به آرمان‌های والای طبقه کارگر ایران را متوقف کند. انتشار منظم و وقفه‌ناپذیر "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، برگزاری کنگره‌های سوم، چهارم، و پنجم حزب، در دشوارترین شرایط، و نفوذ گسترده و فزاینده اندیشه‌ها و برنامه‌های مبارزاتی حزب ما در بین نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور، نشان‌گر ادامه حیات پر ثمر حزب توده‌ها و شکست برنامه‌های ارتجاع و امپریالیسم است.

حزب ما، در دهه‌های اخیر، پس از بورش گسترده و خونین رژیم جمهوری اسلامی، همچنین با بحران‌های جنبش کارگری و کمونیستی جهان و فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در دهه ۸۰ قرن گذشته میلادی و تهاجم فزاینده تبلیغاتی امپریالیسم جهانی بر ضد جنبش جهانی کارگری و کمونیستی رو به رو بوده است، و باید گفت که دشوارترین آزمون تاریخ خود را با سربلندی پشت سر گذاشته است.

در هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، شایسته است که همراه با گرمی داشت خاطره تابناک ده‌ها هزار جانباخته توده‌ای، با مبارزات سترگ آنان تجدید عهد کنیم، و اعلام داریم که: حزب توده ایران، حزب کارگران، زحمتکشان و محرومان کشور، حزب زنان مبارز و آزادی‌خواه، حزب جوانان و دانشجویان مبارز، حزب روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان پیشرو و حزب افسران میهن دوست و آزادی‌خواه، همچنان در کنار همه آزادی‌خواهان و نیروهای ملی و مترقی کشور در راه ریشه کن کردن استبداد و استقرار آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی به مبارزه تاریخی خود ادامه می‌دهد و همه تلاش‌ها و امکان‌های خود را در راه دست یافتن به این آرمان‌های والا به کار خواهد گرفت.

مبارزه ادامه دارد، و آینده از آن خلق و نیروهای ملی و آزادی‌خواهی است که در کنار مردم و برای عملی شدن خواست‌های جنبش مردمی می‌رزمند!

درد آتشین به خاطره تابناک جان باختگان توده‌ای و همه جان باختگان راه آزادی، استقلال، و عدالت در کشور!

فرخنده یاد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران!
با هم به سوی برپایی جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای طرد رژیم ولایت فقیه، و استقرار آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۴ مهرماه ۱۳۹۰